قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی

مکاتب اقتصادی برای نیل به اهداف مورد نظر خود به ابزارهایی نیازمند هستند.
معمولا نهادی اقتصادی - اجتماعی به عنوان ابزارهای مهم در این راستا مطرح می شوند. طبیعی است که هر مکتب اقتصادی، باید سیستم متناسب با خود و ابزارهای ویژه و سازگار با آن را دارا باشد. مکتب اقتصاد اسلامی نیز علاوه بر ابزارهای مالیاتی و مالی و یا ابزارهایی سایر مکاتب که استفاده از آنها در اسلام نکوهش نشده است، ابزارهای ویژه ای را تأسیس نموده است. قرض الحسنه یکی از ابزارهای مناسب در سیستم برای رسیدن به اهداف والای این سیستم است. در این مقاله قصد داریم به تشریح قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی بپردازیم.

در نظام مالی اسلام برای ازبین بردن فقر و کاهش آن علاوه بر مالیاتهای اسلامی به انفاق فقراء و نیازمندان تأکید شده است. یکی از انفاق هایی که به آن تأکید فراوان شده قرض الحسنه است. قرض الحسنه یکی از انفاق هایی است که به معنی عمل حقوقی قرض دادن به دیگران نیست. بلکه در فرهنگ اسلامی از آنجاکه نباید از مال قرض داده شده سودی دریافت گردد، عقد قرض کاربرد غیرانتفاعی دارد و در رفع مشکلات و حوائج افراد جامعه از آن استفاده می شود. از آنجاکه در فرهنگ اسلامی به جلوگیری از انباشت سرمایه فوق العاده در دست اغنیاء اشاره شده است، آنها می توانند با انفاق کردن و قرض الحسنه دادن آن ثروتها به فقراء از این عدم توازن جلوگیری کنند.

البته این قرض دادن سبب رشد و تکامل معنوی افراد قرض دهنده می شود، به شرط آنکه این قرض دادن از روی صداقت و صفا باشد و نه برای ریا.

همانطور که در قرآن کریم آمده است، "الهئکُمُ التکاثر" (سوره تکاثر آیه ۱)، "زیادکردن ثروت و اولاد شما را به خود مشغول داشته است" متوجه می شویم که با ترویج قرض الحسنه افراد هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی رشد خواهندکرد.

الف) قرض الحسنه در آیات قرآن کریم:

۱) " تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم .... " (سوره مائده)

« یکدیگر را درکارهای نیک و احسان و پرهیزگاری یاری کنید و بر گناه و ستم و تعدی همدست نشوید... » این آیه، همه مسلمانان را به طور مطلق به کمک و یاری کردن یکدیگر - از جمله قرض دادن - و برآوردن نیازهای اصلی و رفع نگرانی ها و ناراحتی ها و مسرور ساختن یکدیگر دعوت می کند.

۲) "من ذالذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له اضعافاکثیره... "
«کیست که در راه خدا قرض الحسنه دهد، تا برای او چندین و چند برابرش کند و خداوند تنگنا و گشایش [در معیشت مردم] پدید می آورد، و به سوی او بازگردانده می شوید.» (سوره بقره آیه ۲۴۶)

این آیه شریفه به ما می گوید که قرض دادن به افراد نیازمند نه تنها کسی که قرض می دهد ضرر نمی کند بلکه شخص قرض دهنده، بنا به وعده خداوند در این آیه، خداوند برای او چند برابر قرض را به او برمی گرداند.

ب) قرض الحسنه در روایات:

۱) حضرت امام صادق (ع) فرمودند: " من اقرض مومنا ینتظر به میسوره ماله فی زکات وکان فی هو صلواه ...".«هرکس به مومنی قرض بدهد و تا وقتی بدهکار نتوانست پول خود را به راحتی بپردازد و صبرکند، مال او در زکات و خودش نیز در دعا و طلب ملائکه است.»

در این روایت قرض دادن مال، برای فرد قرض گیرنده اجر معنوی فراوانی را به دنبال دارد.

۲) حضرت محمد(ص) فرموده اند: " احب الاعمال التی الله ثلاثه: اشباع جوعه المسلم و قضاء دینه و تنفیس گریته "، «محبوب ترین اعمال نزد خداوند سه عمل است: ۱- سیرکردن مسلمان و اداء قرض او و رفع گرفتاری و غصه او»

با توجه به این روایات از حضرت محمد(ص)، که این سه مشکل، مسئله هایی که در بالا گفته شد با قرض دادن و وام دادن (قرض الحسنه) به مسلمان دیگر، حل می شود.

۲- "... قرضوا الله قرضا حسنا و ما تقدموا لانفسکم ..."
«... و به خدا قرض نیکو دهید و بدانیدکه بر هر عمل نیک که برای

آخرت خود فرستادید پاداش آن را نزد خدا می یابید و آن اجر و ثواب آخرت بسی بهتر و بزرگتر است...»

"وقرضو الله" خطاب به همه مسلمانان است و هرکس به اندازه توانایی خود می تواند این دستور موکد خداوند تبارک تعالی عمل کند، هیچکس نمی تواند به بهانه نداشتن، از این دستور سرپیچی کند، زیرا او می تواند مقداری از پول خود را ولو ناچیز را به صورت قرض الحسنه در اختیار نیازمندان قرار دهد و لذا همانطور "و قرضوا" فعل امر است و لذا همه ما به عنوان یک دستور می توانیم به اجرای آن بپردازیم.

اگر بر طبق دستور قرآن نماز می خوانیم و روزه می گیریم و به حج می رویم و باید به پرداخت وام هم قیام کنیم. وقتی دل کسی را با حل کردن مشکل مالی او و قرض دادن به او شاد می کنیم سبب رشد و تعالی خودمان می شویم. به طور مسلم، صدقه که پایداری آن بسیار کم می باشد در مقابل، اگر بجای صدقه همین پول را به فردی که نیازمند به آن است، قرض دهیم، به طوری که اسباب شرم قرض گیرنده نشود تأثیر بیشتری دارد. مثلا اگر شما همین پول را به یک جوان نیازمند بدهید تا بتواند کار و کسبی برای خود پیدا کند و با قرض کردن بتواند ابزار لازم برای تولید کالا یا خدمتی را کسب و درآمدی کسب کند و بعد از درآمد حاصل از آن بتواند یک زندگی شرافتمندانه برای خود بسازد و به تدریج قرض خود را به شما برگرداند. آیا این عمل باعث رشد تولید یک جامعه نمی شود؟ آیا این عمل باعث ارتقاء و تعالی معنوی فرد قرض دهنده نمی شود؟

۳ـ حضرت امام صادق(ع) فرموده اند: "که بر در بهشت نوشته اند که ثواب صدقه را ده مقابل می دهند و ثواب قرض را هیجده مقابل می دهند" (معراج السعاده ص ۳۳۴)

از آنجاکه پایداری قرض دادن برای فرد قرض گیرنده بیشتر می باشد ولی در صدقه پایداری کم و برای کوتاه مدت است.

۴ـ در حدیث دیگر از امام صادق(ع) که فرموده اند: "که هر مومنی که به مومنی قرض بدهد از برای خدا در هر آنی ثواب صدقه بدهد تا حال باو برسد و راز آن اینست که در هر آنی می تواند مطالبه آن را بکند و چون مطالبه نکند ثواب صدقه را دارد.

منظور از قرضی که ثواب به آن رسیده است قرض الحسنه ایست که از برای خدا باشد اما قرضی که به واسطه آن نفع دنیوی بصاحب مال می رسد و هدف او سود بردن است ثوابی ندارد.

۵ـ امام صادق(ع) می فرمایند: هیچ مسلمانی به برادر مسلمان خود از روی اخلاص که به خاطر خدا قرض نمی دهد مگر آنکه پاداش صدقه را دریافت می نماید.

در این روایت متوجه می شویم که هر قرضی دارای پاداش و اجر معنوی نمی باشد بلکه قرضی که از روی صداقت و رضای خدا باشد دارای این اجر معنوی می باشد.

۶ـ از امام صادق(ع) درباره آیات سوره ماعون پرسیدند، حضرت فرمودند: "هو القرض تقرضه و المعروف تصنعه..." آن قرضی است که به کسی می دهی و احسان و مساعدتی است که درباره بندگان خدا که وسایل و لوازم خانه را به عاریت در اختیار دیگران قرار می دهند. و در مورد زکات صدقه نیز هست. روایتی از حضرت محمد(ص) که اگر مسلمانی بتواند نیاز برادر مسلمان خود را برطرف کند و نکند بوی بهشت را نخواهد شنید.

قرض الحسنه یکی از انفاق هایی است که به معنی عمل حقوقی قرض دادن به دیگران نیست. بلکه در فرهنگ اسلامی از آنجاکه نباید از مال قرض داده شده سودی دریافت گردد، عقد قرض کاربرد غیرانتفاعی دارد و در رفع مشکلات و حوائج افراد جامعه از آن استفاده می شود.

نتیجه گیری:

با توجه به آیات و روایات متعدد در رابطه با قرض الحسنه و همچنین فواید معنوی، مادی که این عمل در جامعه دارد به نظر می رسد که اختصاص نهادهایی از اقتصاد به این عمل ضروری و الزامی است. تا از این طریق به اشاعه و ترویج این عمل که موجب توسعه و تعالی معنوی و مادی جامعه می شود. از آنجاکه در نظام اقتصاد اسلامی از ابزارهایی استفاده می شود تا باعث رشد و آبادانی جامعه اسلامی شود این ابزار که همان قرض دادن به افراد جامعه (قرض الحسنه) به یکدیگر است در توسعه و آبادانی کشور نقش بسزایی دارد.

منابع مورد استفاده در این مقاله:

۱ـ معراج السعاده، تألیف ملا احمد نراقی(ره) چاپ دوم، تیرماه ۱۳۶۲، انتشارات رشیدی

۲ـ نهج البلاغه، استاد محمود دشتی، انتشارات پارسیان، چاپ ۱۳۷۹

۳ـ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه چاپ بهار ۱۳۷۴، ص ۱۹۷

۴ـ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، محمد مهدی کرمی و محمد پورمند، چاپ ششم ۱۳۸۴ تابستان، انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۲۳۳